

قرارداد یکپارچه‌سازی در خصوص منابع مشترک نفت و گاز (مفهوم و ماهیت)

زهرا کیمیایی نالکباشری، سید محمد مهدی قبولی درافشان*، سعید محسنی، دانشگاه فردوسی مشهد

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال نویسنده: ۹۵/۱۰/۱۱

تاریخ ارسال به داور: ۹۵/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش داور: ۹۵/۱۱/۰۹

واژگان کلیدی:

منابع طبیعی مشترک، نفت، گاز، قرارداد یکپارچه‌سازی، عقد صلح، عقد نامعین

چکیده

بهره‌برداری از منابع زیرزمینی مشترک از قبیل نفت و گاز که دارای ویژگی سیال بودن هستند، از مسائل مهم امروز است. زیرا فقدان ضابطه برای بهره‌برداری از این منابع نه تنها موجب مصرف بی‌رویه از منبع و رقابت ناسالم میان مالکین متعدد می‌گردد، بلکه اختلافاتی را میان ایشان پدید می‌آورد و لطمه‌های شدید فنی به منبع مشترک وارد می‌سازد. کشور ایران با توجه به برخورداری از منابع مشترک گسترده، از دیرباز با این چالش مواجه بوده و هست. یکی از راه‌های برون‌رفت از این مشکل، انعقاد قراردادهایی است که بتواند ضمن رعایت منافع مالکین مشترک، بهره‌برداری بهینه از منبع را نیز تأمین کرده و از آسیب جدی به محیط زیست جلوگیری نماید. قرارداد یکپارچه‌سازی از این دسته قراردادهاست که البته در نظام حقوقی ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این جستار با روشی توصیفی تحلیلی، به تبیین مفهوم این نوع قرارداد و نیز واکاوی ماهیت حقوقی آن در نظام حقوقی ایران پرداخته است.

مقدمه

دنیا، منابع زیرزمینی مشترکی وجود دارد که بهره‌برداری از این منابع، با شیوه‌های مختلف و بعضاً ناعادلانه صورت می‌گیرد. توضیح اینکه در صورت فقدان ضابطه در این خصوص، هریک از مالکین یا هریک از کشورهای که منبع زیرزمینی در مرز مشترک ایشان قرار دارد، به دلخواه از منابع مشترک مزبور استفاده می‌کنند. کشورهای دارای سرمایه و تکنولوژی برتر، می‌توانند بیشترین استفاده را از منابع مشترک نمایند و در نقطه مقابل، کشور همجوار به دلیل کمبود منابع مالی و سطح پایین تکنولوژی (حتی اگر سهم بیشتری از مالکیت منبع مشترک را دارا باشد) از ذخایر، کمترین بهره‌برداری را می‌نماید. بدیهی است این شیوه بهره‌برداری نه تنها به دلیل تفاوت توان فنی و مالی صاحبان منابع مشترک، ناعادلانه بوده، حتی در فرض برابری کشورها از لحاظ سطح پیشرفت و تکنولوژی، روش مذکور موجب رقابت در بهره‌برداری بی‌رویه و در نتیجه، وارد شدن صدمات جدی به منابع زیرزمینی می‌شود. بنابراین، کاهش عمر منبع را به دنبال داشته و در مجموع، باعث اضرار طولانی مدت به طرفین و نسل‌های بعدی می‌شود. به علاوه، رویه مذکور باعث خدشه به روابط سیاسی طرفین و به مخاطره افتادن روابط صلح آمیز و امنیت پایدار می‌گردد.

به همین جهت، کشورهای دارای میادین مشترک تلاش کرده‌اند تا روش‌های مختلف حقوقی را جهت همکاری مشترک و متقابل در مدیریت بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز

یکی از مسائلی که همواره بین اشخاص ایجاد اختلاف می‌نماید، استفاده از اموالی است که مالکیت آن، به دو یا چند شخص مربوط است. این مسأله زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که مال مورد اختلاف، دارای ارزش فراوان باشد. اختلافاتی که ممکن است در زمینه استفاده از اموال مشاعی ایجاد شود تا حدودی در نظام حقوقی هر کشور به کمک قواعد و مقررات مربوط رفع می‌گردد. در نظام حقوقی ایران، قوانین و مقررات متعددی در زمینه نحوه استفاده و تقسیم مال مشاع و حدود مالکیت هر یک از مالکین، وضع گردیده است که از جمله می‌توان به مقررات قانون مدنی در مورد شرکت (مواد ۵۷۱ به بعد)، قانون تملک آپارتمان‌ها مصوب ۱۳۴۳ و قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷ اشاره نمود. مقررات مزبور تا حدود زیادی وضعیت این اموال را مشخص نموده و قواعدی نیز برای حل و فصل اختلافات ناشی از آن، مقرر داشته است. طبیعی است در مواردی که مسأله اشاعه مربوط به یک کشور باشد، مقررات همان کشور حکمفرماست. به همین جهت، راه‌حل‌های حقوق داخلی کارآمد خواهد بود. حال آنکه اگر موضوع، مربوط به بیش از یک کشور باشد، وضع، دشوار و به گونه‌ای متفاوت خواهد بود.

در این راستا، یکی از موضوعات قابل طرح، منابع مشترکی است که در مرز مشترک املاک اشخاص یا کشورهای مختلف واقع شده است. در شرایط کنونی در ایران و در بسیاری از نقاط

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات (ghaboli@um.ac.ir)

نمود. علیرغم ایراداتی که توسط سیستم قضایی به این قانون وارد شد، این قانون از نظر شکل ساختاری در قضیه شرکت نفت پالمر علیه شرکت نفت فیلیپس تأیید و مورد استناد واقع شد. بلافاصله بعد از آن، بسیاری از ایالت‌های تولیدکننده نفت، مقررات مشابهی را به تصویب رساندند و از مقررات حفاظتی^۳ که برای یکپارچه‌سازی، تهیه شده بود، پیروی کردند [14, p. 863].

به واقع هر آنچه در دهه ۶۰ میلادی و بعد از آن در مورد منابع سیال زیرزمینی مشترک، در میان علمای حقوق وجود دارد، در دهه آخر قرن ۱۹ و دهه اول قرن بیستم، در آمریکا تجربه شده بود. با این حال، بیشتر شهرت و اعتبار این طرح، حاصل تلاش‌های ۲۰ ساله آقای هنری دوهرتی^۴ بود که با وجود مخالفت صنایع نفتی، با جدیت، تولیدکنندگان و قانون‌گذاران را مجبور کرد تا قوانین دولتی‌ای را که در حراست و حفاظت از منابع نفتی وجود داشت، بپذیرند [17, p. 1; 14, p. 863].

اصولاً توجه به یکپارچه‌سازی ویژه کشورهایی است که قائل به مالکیت خصوصی هستند. زیرا در کشورهایی که مالکیت منابع زیرزمینی متعلق به دولت است، احتمال حفاری رقابتی، محدود می‌گردد. در هر حال، راه‌حل‌های به‌دست آمده در ایالت متحده آمریکا، به میزان زیادی مورد تبعیت کشورهای دیگر قرار گرفته است [18, p. 17]. از جمله دلایل رشد مزبور می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

در سال ۱۹۷۳ دولت‌های تولیدکننده نفت (اوپک) علیه بسیاری از کشورهای صنعتی واردکننده نفت تحریم نفتی اعمال نمودند که این امر موجب افزایش قیمت نفت و به تبع، تلاش کشورهای غربی، برای توسعه منابع نفتی و زیرزمینی از طریق عملیات اکتشاف در مناطق جدید مثل آمریکای جنوبی، آفریقا و دریای شمال آغاز شد. بسیاری از شرکت‌های جدید نیز برای توسعه سهم خود، با شرکت‌های بزرگ نفتی، در عرصه بین‌المللی وارد رقابت شدند [۱۱، ص ۲۸۰] از سوی دیگر، دولت‌های میزبان نیز برای دستیابی و توسعه سریع مخازن و درآمد بیشتر، عملیات اکتشافی خود را به گروه‌های دیگر واگذار کرده و سعی نمودند با اعطای مجوز به گروه‌های مختلف، سریع‌تر به اهداف خود دست یابند. نتیجه این عوامل، افزایش تعداد مخازن در حال کشف در خارج از ایالات متحده و نیز ازدیاد دارندگان مجوز متفاوت، در یک منطقه بود. برخی از این مخازن نیز در مرز میان دو یا چند کشور قرار داشت که سبب ورود دارندگان مجوز به محدوده تحت حاکمیت دولت دیگر می‌شد. از این‌رو، بهره‌برداری از منابع نفتی بین دارندگان امتیاز و کشورهای مختلف، از طریق همکاری به جای رقابت، مطلوب به نظر رسید. به همین جهت مدل یکپارچه‌سازی که در واقع

در راستای کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری مخازن و در نهایت، ایجاد عدالت در بهره‌مندی از این منابع به کار گیرند. یکی از این روش‌ها استفاده از قراردادهای یکپارچه‌سازی است که در زبان انگلیسی به آن «Unitization» گفته می‌شود. این مدل بهره‌برداری علاوه بر اینکه رقابت را به مشارکت تبدیل می‌کند، از نظر اقتصادی نیز به صرفه است، زیرا با حداقل سرمایه‌گذاری، حداکثر بازایافت حاصل شده و منافع طرفین به نحو مناسب‌تری تأمین می‌گردد. همچنین، شیوه بهره‌برداری مذکور مانع برداشت بی‌رویه از مخزن مشترک بوده و صیانت از آن را در پی خواهد داشت.

۱- تاریخچه و مفهوم قرارداد یکپارچه‌سازی

۱-۱- تاریخچه قرارداد یکپارچه‌سازی

خاستگاه قرارداد یکپارچه‌سازی، ایالات متحده آمریکا بوده و پس از آن، این قراردادها مورد استفاده برخی دیگر از کشورها مانند انگلستان، فرانسه، ترکیه و... نیز قرار گرفته است [۱۱، ص ۱۰۰]. در واقع، قبل از توسعه قراردادهای یکپارچه‌سازی، استفاده از منابع زیرزمینی در ایالت متحده آمریکا بر اساس قاعده تسخیر^۱ صورت می‌گرفت. هر مالک می‌توانست در ملک خود، به هر میزان که توان داشت چاه حفر کرده و نفت و گاز برداشت نماید. اجرای این قاعده به دلیل رقابت شدید بین مالکان اراضی و یا دارندگان مجوز، باعث آسیب به مخازن نفت و گاز، عدم برداشت بهینه از مخازن و در نهایت، بی‌ثمری و نابود شدن صنعت و حقوق مالکان می‌شد. بنابراین، متخصصان صنایع نفت و گاز در سال ۱۹۲۰ با طرح عملکرد یکپارچه‌سازی مشترک آشنا شدند و گروه‌هایی به تحقیق در مورد امکان یکپارچه‌سازی پرداختند که در واقع، یک راه‌حل جایگزین و پذیرفته شده، برای عملکردهای غیرمؤثری بود که مورد انتقاد قرار گرفته بود [18, p. 15].

در این راستا، در سال ۱۹۲۶ کمیسیون حفاظت نفت فدرال، اظهار نمود که طرح واحد در تولید نفت و گاز یعنی یکپارچه‌سازی، منجر به موفقیت می‌شود و در توسعه و اجرای عدالت در میان مالکان کارایی دارد. این اظهار به‌علاوه اظهار انجمن وکلای آمریکا^۲ در سال ۱۹۲۹ که یک مدل مقررات یکپارچه‌سازی و حمایت از شکل‌های جدید حفاظت از نفت را پیشنهاد می‌کرد، حمایت گسترده‌تر از این اندیشه کلی را یادآوری می‌کند و مقررات حفاظتی از صنعت نفت را افزایش می‌دهد. با این حال، بسیاری از دخالت‌های دولت در ابتدا روی تقسیم تولید متمرکز می‌شد، نه یکپارچه کردن. تا اینکه در سال ۱۹۴۵ اوکلاهما اولین مقررات خود را در زمینه قراردادهای یکپارچه‌سازی وضع

مشترک هیدروکربوری امضا کردند که حاصل تجربه سی ساله آنها در اداره مشترک این منابع بود. این موافقتنامه به منزله بی‌اعتباری موافقتنامه‌های قبلی نبود، بلکه با رویکردی عملگرایانه و با اتکای به تجربیات حاصله و مقتضیات خاص دو کشور، اجرای موافقتنامه موجود را آسان‌تر نمود و از جمله مقرر کرد در میدان‌های کوچک که بخش عمده مخزن آن در یک کشور قرار دارد، بهره‌برداری به‌طور انفرادی در صلاحیت تابع قوانین انحصاری همان دولت باشد. در نتیجه، میادین نفتی بوا در نروژ و پلی‌فر در انگلستان که در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۹ کشف شده ولی توافقی برای توسعه اشتراکی برای آنها تنظیم نشده بود، به ترتیب در صلاحیت انحصاری نروژ و انگلستان قرار گرفتند.

ب) موافقتنامه ونزوئلا - ترینیداد و توباگو (۲۰۰۳ و ۲۰۰۷)

دولت‌های ونزوئلا - ترینیداد و توباگو پس از اینکه در سال ۱۹۹۰ موافقتنامه تحدید حدود امضا کردند، در ۱۲ آگوست ۲۰۰۳ با صدور بیانیه مشترک، تمایل خود را جهت همکاری دو جانبه در بخش انرژی اعلام و تعهد نمودند موافقتنامه‌ای را در خصوص منابع نفتی مشترک مرزی منعقد کنند. بنابراین، یادداشت تفاهمی مربوط به آیین یکپارچه‌سازی مخازن هیدروکربوری صادر کردند که فعالیت در خط مرزی را توسعه می‌داد.

«موضوعات مطرح شده در ماده-۲ این یادداشت تفاهم، مسائل مهمی را که باید در مورد آن گفت‌وگو و اقدام شود، کاملاً مشخص نمود؛ از جمله، تشکیل گروه کاری، کمیته راهنما برای ارزیابی و بهره‌برداری از مخازن و چگونگی انعقاد موافقتنامه‌ها برای تبادل اطلاعات و پیشرفت کلی مراحل یکپارچه‌سازی، چگونگی عمل مشترک، مواردی که تصمیم‌گیری دو دولت را شامل می‌شود، چگونگی تعیین خصوصیات، حجم و اندازه هر مخزن، اختصاص هیدروکربوری که در هر بخش مخزن وجود دارد و بالاخره تعیین قواعد مربوط به ارزیابی مجدد مخزن، برای بهره‌برداری بعدی که برای مخزن لازم بود. برخی تصور می‌کردند با توجه به نوع سند تنظیمی، ضوابط گفته شده، فاقد هرگونه تعهدی برای دو کشور است و اهمیتی ندارد. اما این تصور اشتباه بود و در فاصله کمی، موارد گفته شده به چارچوب موافقتنامه‌ای تمام عیار بدل گشت و دو دولت مجدداً در آوریل ۲۰۰۴ موافقتنامه منعقد کردند. برای حل و فصل اختلافات ناشی از موافقتنامه، طرفین روش مذاکره را پیش‌بینی کردند و از ارجاع آن به داوری خودداری نمودند. نهایتاً در مارس ۲۰۰۷ چارچوب موافقتنامه یکپارچه‌سازی بین دو دولت به امضا رسید. در صورتی که عملیات اکتشافی توسط هر یک از دو دولت یا

راه‌حلی داخلی بود، از ایالات متحده به خارج از این کشور، گسترش پیدا کرد [۱۱، ص ۲۸۱]. به‌رغم اینکه اقبال به این نوع قراردادهای گسترش یافته، لیکن این واقعیت بدین معنا نیست که اختلاف در کیفیت استفاده از قرارداد یکپارچه‌سازی وجود نداشته باشد [18, p. 17].

۱-۱-۱- برخی از قراردادهای یکپارچه‌سازی

الف) موافقتنامه‌های انگلستان - نروژ و انگلستان - هلند

چهار نمونه از موافقتنامه‌های یکپارچه‌سازی در خصوص بهره‌برداری از مخازن نفتی مشترک در دریای شمال وجود دارد، موافقتنامه‌های مزبور اعتبار حقوقی خود را از موافقتنامه‌های تحدید حدودی که بین انگلستان - نروژ در ۱۰ مارس ۱۹۶۵ و انگلستان - هلند در اکتبر ۱۹۶۵ امضا شده، گرفته‌اند. در ماده ۴ موافقتنامه تحدید حدود نروژ و انگلستان، برای اولین بار به‌طور صریح، شرط یافت شدن مخزن نفتی مشترک در تقاطع مرز دو کشور پیش‌بینی شد و پس از آن در بسیاری از موافقتنامه‌های مشابه در اقصی نقاط جهان از آن پیروی شد. اگرچه در موافقتنامه مزبور هیچ تعهدی برای همکاری از طریق یکپارچه‌سازی وجود ندارد، روشی که در این ماده پیش‌بینی شده، رویکردی است که به‌عنوان بهترین گزینه موجود برای بهره‌برداری از مخازن نفتی مرزی در همه موافقتنامه‌های بین دولت‌های دریای شمال پذیرفته شده است. (Gordon & Paterson, 2007, p. 332)

معاهده تحدید حدود نروژ و انگلستان مبنایی را برای یکپارچه‌سازی سه میدان نفتی در خط مرزی دو کشور مقرر کرد. مهم‌ترین نمونه در نوع مخازن نفت و گاز مربوط، موافقتنامه استنفورد است. این موافقتنامه و موافقتنامه مارچیسن در همان سال به‌طور گسترده‌ای از نمونه موافقتنامه فریج تبعیت کردند. نمونه دیگر یکپارچه‌سازی در یک مرز بین‌المللی در دریای شمال، موافقتنامه مارکام است که بین هلند و انگلستان در سال ۱۹۹۲ منعقد شد. میدان گازی فریج، در امتداد مرز فلات قاره نروژ و انگلستان قرار دارد. این میدان در سال ۱۹۶۹ کشف شد و در مه ۱۹۷۲ اثبات شد که مخزن در دو سوی خط مرزی قرار دارد. طبق ماده ۴ معاهده تحدید حدود دو کشور، دو دولت مکلف شده بودند که موافقتنامه‌ای را برای بهره‌برداری از آن مخزن مشترک منعقد کنند. بعد از انجام یک سری مقدمات توسط دو دولت، موافقتنامه‌ای در همان سال امضا شد. بدین ترتیب اولین موافقتنامه یکپارچه‌سازی در سطح بین‌المللی پدید آمد.

دو کشور انگلستان و نروژ در سال ۲۰۰۵ موافقتنامه جدیدی در خصوص تسهیل و تعمیق روابط مربوط به بهره‌برداری از منابع

ملزم خواهند بود به منظور حفظ وحدت مخزن و با رعایت حقوق حاکمه دو دولت به ترتیب فوق‌الذکر عمل کنند.

در صورت فرامرزی اعلام شدن مخزن، هیچ‌یک از طرفین مجاز نیستند قبل از انعقاد موافقت‌نامه‌های لازم در خصوص میدان، راساً یا توسط شرکت‌های نفتی یا دارای مجوز خود، دست به عملیات نفتی بزنند.

چنانچه طرفین نتوانند در مورد انعقاد موافقت‌نامه در مهلت‌های تعیین شده توافقی حاصل نمایند، هر یک می‌تواند درخواست کند که متن او از طریق فرایند داوری مورد بررسی قرار گرفته و با اصلاحات یا بدون اصلاحات به طرف دیگر تحمیل شود. مطالب مندرج در این موافقت‌نامه باید مشتمل بر مدت بهره‌برداری، لزوم تبادل اطلاعات و داده‌های فنی لازم و تعیین ذخایر مخزن، نسبت سهم هر طرف از هزینه‌ها و عایدات و... باشد. دو طرف باید از دارندگان حقوق معدنی خود بخواهند یک موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی که متضمن مقررات خاصی در مورد چگونگی اداره مشترک حقوقشان در مخزن مشترک باشد و به تصویب کتبی دو دولت نیز برسد، منعقد نمایند.

در موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی باید تصریح شود در صورت مغایرت مفاد آن با موافقت‌نامه دو دولت، موافقت‌نامه اخیر مرجح خواهد بود. صاحبان یا مالکان حقوق معدنی از بین خود یکی را به‌عنوان عامل بهره‌بردار واحد یکپارچه شده منصوب خواهند کرد و این ترتیب نمی‌تواند بدون رضایت طرفین تغییر کند.» (۱۱، ص ۱۱۰)

نتیجه حاصل از بررسی تعدادی از موافقت‌نامه‌های دو جانبه همکاری در اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز مشترک که به دنبال یافت شدن مخزن مشترک در موافقت‌نامه‌های تحدید حدود مرزی منعقد شده است، مبین این است که بهترین گزینه در مواجهه با چنین وضعیت‌هایی، تنظیم موافقت‌نامه‌های همکاری برای بهره‌برداری از منابع نفت و گاز مشترک است.

۱-۲- مفهوم قرارداد یکپارچه‌سازی

بر اساس تعریفی که انجمن بین‌المللی مذاکره‌کنندگان نفتی^۵ از اصطلاح یکپارچه‌سازی ارائه نموده، «یکپارچه‌سازی عبارت است از عملیات مشترک و هماهنگی که توسط مالکان حقوق، در قطعات مجزایی که مخزن مشترک نفت یا گاز در زیر آن قرار دارد، انجام می‌شود». بنابراین یکپارچه‌سازی، راهکاری است که به موجب آن، ذخایر نفت و گاز یک منبع که دارای مالکان مختلف است، به وسیله یک توافق واحد پوشش داده شده و با منبع مزبور به‌عنوان یک واحد مستقل رفتار خواهد شد. بر اساس این قراردادها، در مورد نحوه برداشت‌ها از میدان و نیز چگونگی توسعه میدان میان مالکین مشترک توافق صورت

اتباع آنها یا شرکت‌هایی که با مجوز آنها اقدام می‌کنند، به منابع مشترک که قابلیت یکپارچه‌سازی را داشته باشند، برسد، از موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی امضا شده برای بهره‌برداری از آن مخازن استفاده خواهند کرد.» (۱۱، ص ۱۰۶)

ج) موافقت‌نامه ترکیه - سوریه (۲۰۰۴)

«با امضای موافقت‌نامه راجع به ایجاد منطقه تجاری بین سوریه و ترکیه در دسامبر ۲۰۰۴، فعالیت‌های اشتراکی اکتشاف نفت بین دو دولت در بخش کوچکی از مرزشان آغاز شد. این موافقت‌نامه از چند جهت حائز اهمیت است؛ از سویی موافقت‌نامه مذکور در مورد اکتشاف و بهره‌برداری از مخازن نفت و گاز مشترک در خشکی منعقد شده و از سوی دیگر، در این موافقت‌نامه از یکپارچه‌سازی بین‌المللی منحصراً برای مرحله اکتشاف مخازن مشترک استفاده شده است. توضیح اینکه یکپارچه‌سازی معمولاً برای مرحله بهره‌برداری از مخازن مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد و کمتر در مرحله اکتشاف به کار می‌آید.

پیش‌بینی می‌شود با توجه به فقدان سابقه چنین همکاری بین طرفین، متفاوت بودن رژیم‌های مالی نفتی بین دو کشور و نبود مقررات یکپارچه‌سازی در قوانین سوریه و ترکیه، همچنین، جامع نبودن موافقت‌نامه امضا شده بین دو کشور از یک سو و نیاز شدید دو دولت به نفت و عدم پیش‌بینی دقیق مقررات برای زمانی که مخازن مشترک کشف شود، از سوی دیگر، روابط آنها را با دشواری‌هایی مواجه نماید. در هر حال موافقت‌نامه‌های مورد بحث از جهات عدیده دارای نقایص عمده نسبت به موافقت‌نامه مشابه می‌باشد و همین امر باعث شده است که شرکت‌های نفتی بین‌المللی استقبال چندانی از آن نکنند.» (۱۱، ص ۱۰۷)

د) موافقت‌نامه فرانسه - کانادا (۲۰۰۵)

«بعد از چهار سال مذاکره، فرانسه و کانادا در ۱۷ مه ۲۰۰۵ موافقت‌نامه‌ای را در مورد تحدید حدود مرزها و اکتشاف و بهره‌برداری از میداین هیدروکربوری سه ایالت شرقی کانادا و جزایر سانت‌پیرو و میکولن امضا کردند.

به موجب موافقت‌نامه مذکور، لازم است هرگونه اطلاعات حاصله از وجود یک مخزن مشترک هیدروکربوری در فاصله ۱۰ مایلی مرز دریایی، ظرف ۶۰ روز از تاریخ کسب اطلاع از آنها، بین طرفین مبادله شود. در صورتی که طرفین خصیصه، فرامرزی مخزن را تأیید کنند، ملزم خواهند بود که بر اساس موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی را منعقد نمایند.

در صورتی که کارشناس، مخزن را فرامرزی اعلام کند، طرفین

می‌پذیرد [15, p. 332].

به چنین توافقی است. دستیابی به چنین توافقی یکی از اساسی‌ترین مشکلات در ایجاد و انعقاد یک قرارداد یکپارچه‌سازی است. [19, p202]

یکی کردن منافع مالکانه ضرورتاً نیازمند مذاکره دقیقی است که ممکن است چندین سال طول بکشد. در گسترش واحد اختیاری، هر مذاکره‌ای مشکلات خاص خود را دارد و شرایطی به وجود می‌آید که تأثیرگذار در رسیدن به یکپارچه‌سازی سراسر میدان در یک دوره زمانی معقول می‌باشد.

به‌طور کلی ۴ مرحله در روند هر مذاکره یکپارچه‌سازی وجود دارد:

مرحله اول: پذیرش سازماندهی مشترک

اولین مرحله در روند یکپارچه‌سازی، پذیرش یک سازمان مشترک است. منافع صاحبان و عاملین، یک نیاز ضروری جهت یکی کردن یک میدان وسیع است. این سازمان را با این هدف که باز یافت نهایی گاز و نفت را افزایش دهند، تشکیل می‌دهند.

مرحله دوم: دوره برنامه‌ریزی

دومین مرحله در روند مذاکره، بر روی دوره برنامه‌ریزی متمرکز می‌شود که به قرارداد یکپارچه‌سازی منتهی می‌گردد. این مرحله، فعالیت کمیته‌های فرعی گوناگونی که مسئول جمع‌آوری اطلاعات وسیع و بیان جزئیات برای عملکرد یکپارچه (واحد) می‌باشند را در بر می‌گیرد.

به‌طور کلی مرحله دوره برنامه‌ریزی، شامل ۴ بخش فنی، حقوقی، ملکی و مالی می‌باشد.

مرحله سوم: تعیین روش مشارکت

روش مشارکت (تقسیم تولید حاصل شده به نسبت سهم هر مالک) یکی از مهم‌ترین قسمت‌های قرارداد یکپارچه‌سازی است. موضوع اصلی رقابت میان طرفین مذاکره کننده در قراردادهای یکپارچه‌سازی اختیاری، تعیین روش میزان مشارکت آنهاست.

در ابتدای شروع استفاده از یکپارچه‌سازی، مشارکت بر اساس مناطق سطحی (روی زمین) پایه‌گذاری می‌شد که این معیار، ناقص بود. به این دلیل که این روش یک الگو را در سراسر میدان می‌پذیرفت که بر اساس آن، هر مالک، به هر میزان که مالک سطح رویی میدان باشد، مالک سطح زیرین آن نیز خواهد بود.

اخیراً سهام بر اساس مالکیت سطح رویی و ذخایر زیرین تعیین می‌گردد. اما در ابتدای کار به دلیل عدم امکان تشخیص کامل میزان و شکل منابع زیرین، میزان مالکیت سطحی زمین، معیاری برای تعیین سهام قرار می‌گیرد. سپس، بعد از شروع تولید و گذشت مدتی، فاکتورهای مشارکت، به دلیل افزایش اطلاعات در مورد شکل منبع، تعدیل شده و تقسیم سهام به صورت

برخی از آثار مهم یکپارچه‌سازی به شرح ذیل می‌باشد:

الف- سهمی از تولید واحد به مالکان قطعات مختلف اختصاص داده می‌شود. این اختصاص بدون توجه به قطعه‌ای که چاه تولیدی روی آن قرار گرفته و با این فرض که تولید از چاه حفر شده روی هر قطعه به دست آمده، انجام می‌شود. توضیح اینکه چاه‌هایی که روی قطعات مختلف حفر می‌گردند، همگی وضعیت تولیدی ندارند و به منظور افزایش فشار مخزن با تزریق آب یا تکنیک‌های دیگر برای خارج کردن سیالات هیدروکربوری مورد استفاده قرار می‌گیرند. با این حال در صورت تولید از واحد یکپارچه، چنین فرض می‌شود که تولید از چاه حفر شده در روی هر قطعه به دست آمده است [21, p.266].

ب- قطعات عضو واحد یکپارچه که تولید کافی نداشته یا تولیدشان برای پوشش هزینه‌ها کافی نباشد، تا زمانی که واحد یکپارچه شده تولید کافی دارد، این قطعات فعال باقی می‌مانند. اما در صورتی که واحد یکپارچه شده تولید کافی نداشته باشد، این قطعات هم فعالیت خود را از دست می‌دهند. به عبارت دیگر، وجود و فعالیت قطعات وابسته به فعالیت واحد یکپارچه شده است [۱۱، ص ۲۷۹].

ج- با انعقاد قرارداد یکپارچه‌سازی، حقوق مربوط به نفت و گاز هر قطعه همچنان به مالکان و صاحبان آن تعلق دارد و جز با تراضی این حقوق را نمی‌توان منتقل نمود. [21, p. 266]

د- ممکن است قبل از انعقاد قرارداد یکپارچه‌سازی، قراردادهای دیگری در زمینه برداشت از منابع نفتی مشترک منعقد شده باشد. با انعقاد قرارداد یکپارچه‌سازی تعهدات مربوط به قراردادهای سابق تا اتمام زمان آن به قوت خود باقی می‌ماند و آثار مربوط به خود را بر جای خواهد گذاشت. در نتیجه، این قرارداد سبب خدشه به قراردادهای سابق نخواهد بود [13, p. 14].

ه- در نتیجه استفاده از قراردادهای یکپارچه‌سازی مقررات حفاظتی که به‌عنوان مقررات ناظر بر استخراج و تولید منابع زیرزمینی به کار گرفته می‌شوند، محدودیت‌های کمتری را بر این گونه بهره‌برداری بار می‌کنند. به همین دلیل، نمایندگان اجرایی طرفین قرارداد در واحد یکپارچه شده، برای به حداکثر رساندن باز یافت، در جایابی چاه‌ها، در بهترین موقعیت میدان، از نقطه نظر مهندسی آزاد خواهند بود [۱۱، ص ۲۷۹].

۱-۳- چگونگی اعمال یکپارچه‌سازی

بر اساس یکپارچه‌سازی، همه مالکان منافع در یک میدان یا در یک بخش از آن، با عملکرد مشترک برای افزایش باز یافت موافقت می‌کنند. یکپارچه‌سازی مستلزم رضایت تمامی مالکان برای رسیدن

عادلانہ تری، انجام می‌پذیرد.

مرحله چهارم: تهیه و تنظیم و تأیید قراردادها

این مرحله، نتیجه نهایی تلاش‌ها و مسئولیت‌های پذیرفته شده به‌وسیله کمیته‌های فرعی مختلف را با نظارت کمیته یکپارچه‌سازی، نشان می‌دهد. کمیته فرعی حقوقی، وظیفه تهیه و تنظیم قراردادهای یکپارچه‌سازی را، جهت تأیید مالکان، به عهده دارد.

۲- ماهیت حقوقی قرارداد یکپارچه‌سازی

با توجه به فواید بسیار یکپارچه‌سازی از یک سو و وجود منابع مشترک فراوان در ایران از سوی دیگر، لزوم توجه به مدل‌های نوین بهره‌برداری در کشور اجتناب‌ناپذیر است. لیکن با توجه به ویژگی‌های قرارداد یکپارچه‌سازی و نظر به اینکه قراردادی با این نام در عقود معین نظام حقوقی ایران به‌چشم نمی‌خورد، بررسی ماهیت حقوقی قرارداد مزبور شایسته است. در واقع، باید دید آیا می‌توان این قرارداد را با یکی از قالب‌های عقود معین تطبیق نمود یا اینکه صرفاً باید آن را به‌عنوان عقدی نامعین تحلیل کرد؟ اهمیت تبیین مسأله به‌ویژه در فرضی است که حسب قواعد حل تعارض، قانون ایران بر مسأله یکپارچه‌سازی حکومت داشته باشد.

طبیعی است اگر قرارداد یکپارچه‌سازی قابلیت انطباق با یک یا چند مورد از قراردادهای معین شناخته شده در نظام حقوقی ایران را داشته باشد، می‌توان از ادبیات حقوقی موجود در عقود مزبور جهت تبیین مناسب‌تر قرارداد یکپارچه‌سازی بهره برد. در میان عقود معین شناخته شده در متون قانونی ایران، قراردادهایی که ممکن است قابل مقایسه با قرارداد مزبور باشد، از سویی قرارداد شرکت و از سوی دیگر، قرارداد صلح است. در کنار عقود معین یادشده، استفاده از اصل آزادی قراردادی و تحلیل قرارداد مزبور به‌عنوان قراردادی نامعین بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱-۱- قرارداد یکپارچه‌سازی و عقد شرکت

برای مقایسه عقد شرکت با قرارداد یکپارچه‌سازی، ابتدا باید مفهوم شرکت تبیین شده و سپس با قرارداد یکپارچه‌سازی مقایسه گردد.

۲-۱-۱-۱- مفهوم شرکت

ماده ۵۷۱ قانون مدنی در مقام تعریف شرکت، چنین مقرر نموده است: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شی واحد به نحو اشاعه». شرکت در این ماده به معنی حالت اشاعه و به‌عنوان یکی از انواع مالکیت در مقابل مالکیت مفروض است نه عقد شرکت. این تعریف از متون فقهی اقتباس شده است. توجه به عبارت‌های به‌کار گرفته شده توسط گروهی از فقیهان (به‌عنوان

نمونه، رک. [۴، ص ۳۰۲؛ ۲۵]) به خوبی نشانگر این امر است. بدیهی است با توجه به اقتباس مقررات شرکت در قانون مدنی از منابع فقهی، باید به جستجوی مفهوم عقد شرکت در این منابع پرداخت. در این راستا برخی از فقیهان ضمن بیان مفهوم اشاعه، برای اصطلاح شرکت بدون تصریح به مفهوم شرکت عقدی، احکام مربوط به عقود را برای آنها در نظر گرفته‌اند. برخی دیگر [۵، ص ۳۰۱] در بیان مفهوم شرکت عقدی، آن را عقدی دانسته‌اند که اثر آن، ایجاد جواز تصرف در مال مشاع می‌باشد. به این ترتیب که ابتدا مال مشاع از راه اسباب به‌وجود آورنده آن اعم از قهری یا اختیاری ایجاد می‌گردد (مالکیت مشاع) و سپس شرکا، با انعقاد قرارداد شرکت اذن تصرف مال یا اموال مشاعی را به یکدیگر اعطا می‌کنند (شرکت عقدی). در مقابل، برخی [۷، ص ۱۲] ضمن پذیرش شرکت به معنی وضعیت اشاعه، معتقدند که شرکت عقدی قراردادی است که اثر آن ایجاد حالت اشاعه می‌باشد. به اعتقاد برخی از فقیهان، شرکت عقدی هم می‌تواند عقدی باشد که به موجب آن وضعیت اشاعه انشاء می‌گردد (شرکت معاوضی)، و هم می‌تواند عقدی باشد که به موجب آن اذن در تصرف ایجاد می‌شود (شرکت اذنی).

اختلاف نظر فقیهان به نوشته‌های حقوقی هم سرایت نموده است؛ به‌گونه‌ای که برخی حقوق‌دانان مقصود از عقد شرکت را شرکت اذنی و برخی دیگر [۱۰، ص ۲۹۹] شرکت عقدی را ناظر به شرکت معاوضی دانسته‌اند که ضمن آن اذن در تصرف اموال مشاع به منظور اکتساب سود نیز داده می‌شود.

در مقام مشخص نمودن نظر قانون‌گذار و با توجه به مواد ۵۷۷ تا ۵۸۰ قانون مدنی که در آنها سخن از اذن به‌عنوان حاصل توافق طرفین و شرایط و موارد از بین رفتن آنها وجود دارد، به‌نظر می‌رسد که قانون‌گذار عقد شرکت اذنی را در نظر داشته است. البته این، به معنی نفی شرکت معاوضی به‌عنوان عقدی نامعین که مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی باشد، نیست. در واقع، شیوه نگارش مواد قانون مدنی در باب شرکت و مقایسه آن با نوشته‌های فقهی نشان می‌دهد که قانون‌گذار ما همانند آن دسته از فقیهانی عمل نموده که به تعریف شرکت به معنی اشاعه پرداخته و برخی از احکام مربوط به اموال مشاع و برخی از احکام مربوط شرکت اذنی را بیان نموده‌اند.

۲-۱-۲- مقایسه قرارداد یکپارچه‌سازی و عقد شرکت

برای مقایسه قراردادهای یکپارچه‌سازی و عقد شرکت لازم است آن را از سویی با عقد شرکت اذنی و از سوی دیگر، با عقد شرکت معاوضی مقایسه نمود.

در مقام مقایسه قرارداد یکپارچه‌سازی و عقد شرکت اذنی به‌نظر می‌رسد نمی‌توان قرارداد یکپارچه‌سازی را نوعی شرکت

حقوق دانان نیز در مقام تعریف صلح، به این نکته توجه داشته و آن را مورد تأیید قرار داده‌اند [۲، ص ۳۱۵]. بنابراین، صلح در حقوق ایران مفهومی وسیع داشته و می‌توان به کمک آن آثار عقود دیگری مانند بیع، اجاره، عاریه، هبه و یا ایقاعی مثل ابراء را ایجاد نمود بدون اینکه احکام خاص این اعمال حقوقی مترتب باشد. قرارداد یکپارچه‌سازی نیز از این قاعده مستثنی نیست و می‌تواند در قالب عقد صلح قرار گیرد.

۲-۳- قرارداد یکپارچه‌سازی و عقود نامعین

در یک تقسیم‌بندی، عقود به دو دسته معین و نامعین تقسیم می‌گردند. عقود معین عقود هستند که در قانون عنوان معین دارند و قانون‌گذار شرایط و آثار آن را معین کرده است. در مقابل عقود که در قانون عنوان و صورت خاص ندارد و شرایط و آثار آن بر طبق قواعد عمومی و توافقات خصوصی طرفین قرارداد تعیین می‌شود، عقود بی‌نام یا غیرمعین است. اصل آزادی قراردادی در حقوق ایران از ماده ۱۰ قانون مدنی قابل استنباط است. به موجب این ماده، «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است». بنابراین، همانگونه که برخی از حقوق‌دانان [۹، ص ۱۴۴] نیز بیان داشته‌اند، می‌توان آزادی اراده اشخاص در انعقاد قراردادها را به‌عنوان اصل پذیرفت. البته روشن است که قراردادهای خصوصی اشخاص باید از قواعد عمومی عقود و معاملات تبعیت نمایند [۸، ص ۳۰]. گفتنی است تأسیس ماده ۱۰ قانون مدنی بدین سبب بوده است که افراد با توجه به پیشرفت‌های اقتصادی و پیچیدگی روابط حقوقی و ضرورت‌های اجتماعی، در نحوه ایجاد الزام و التزام‌های مفید آزاد باشند و قانون هم آن‌دسته از قراردادهایی را که اصول کلی و شرایط اساسی عقود و اخلاق حسنه در آنها رعایت شده است، نافذ بداند [۶، ص ۸۸]. بر این اساس به نظر می‌رسد که اگر قرارداد یکپارچه‌سازی در قالب عقد صلح منعقد نگردد، می‌تواند در قالب قرارداد خصوصی منعقد شود و بر اساس ماده ۱۰- قانون مدنی نفوذ حقوقی داشته باشد. بدیهی است در این صورت، رعایت قواعد عمومی قراردادها در فرایند انعقاد این قراردادها بایسته است.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده در این پژوهش، قراردادهای یکپارچه‌سازی قراردادهایی هستند که بین مالکانی که دارای منابع زیرزمینی مشترک می‌باشند، منعقد می‌گردد و بر اساس اصول و قواعدی، بهره‌برداری بهینه از منابع یادشده توسط شریکان را تسهیل و اداره می‌نماید. استفاده از قرارداد یکپارچه‌سازی برای بهره‌برداری از منابع پیش‌گفته، از سویی موجب رعایت عدالت میان مالکان

اذنی محسوب نمود. زیرا بحث در مورد قرارداد یکپارچه‌سازی ناظر به منابع نفتی مشترک میان دو کشور است. روشن است که کشورهای همسایه به‌رغم اینکه منبع نفتی متعلق به هر دو باشد، بهره‌برداری خود را منوط به کسب اذن از طرف مقابل نمی‌نمایند تا انعقاد قرارداد شرکت اذنی در این راستا ضرورت یابد. به عبارت دیگر، ممنوعیتی برای کشورها در برداشت از مخازن معدنی به واسطه مشترک بودن منابع وجود نداشته و می‌توانند بدون انعقاد قراردادی به برداشت از مخازن و استفاده از منابع معدنی ادامه دهند. بنابراین، مقررات قانون مدنی در زمینه شرکت در این زمینه قابلیت اجرا نخواهد داشت.

قرارداد یکپارچه‌سازی با قرارداد شرکت معاوضی نیز قابل مقایسه به نظر نمی‌رسد. زیرا شرکت معاوضی عقدی است که به موجب آن، حالت اشاعه ایجاد می‌شود. در حالی که قرارداد یکپارچه‌سازی در پی ایجاد اشاعه در منبع نیست، چراکه حالت اشاعه قبل از قرارداد نیز وجود داشته است. به بیان دیگر، در بحث قراردادهای یکپارچه‌سازی فرض این است که مالکیت مشاع طرفین بر منبع وجود دارد و به‌منظور ایجاد نظم مناسب‌تر در بهره‌برداری از منبع مشترک قرارداد یکپارچه‌سازی مطرح می‌گردد. در واقع با انجام چنین قراردادهایی امکان بهره‌مندی عادلانه‌تر طرفین از موجودی مخزن فراهم می‌آید. بنابراین، عقد یکپارچه‌سازی قابل انطباق با این عقد نیز نمی‌باشد و نمی‌توان یکپارچه‌سازی را در قالب عقد شرکت معاوضی منعقد کرد.

۲-۲- قرارداد یکپارچه‌سازی و عقد صلح

صلح به دو معنی به کار رفته است؛ در معنای اول، صلح در مقابل جنگ و جدال است ولی، در مفهوم دیگر، صلح به‌عنوان یک عقد در حقوق خصوصی مطرح می‌شود [۳، ص ۴۰۸]. در مفهوم اخیر نیز از تعاریف ارائه شده توسط برخی از فقیهان [۱، ۲۸۳] اینگونه استنباط می‌شود که عقد صلح برای رفع اختلاف و نزاع بین اشخاص تشریح گردیده است. البته این امر بدین معنی نیست که در موردی که دعوی در بین نیست، نتوان از قرارداد صلح استفاده نمود. در واقع، برخلاف بعضی می‌توان هم‌گام با برخی از اندیشمندان فقهی [۵، صص ۲۵۹-۲۶۰] از اطلاق برخی از روایات مربوط صلح و نیز اصل صحت و ادله لزوم وفای به عقد، این‌گونه استنباط نمود که عقد صلح بدون وابستگی به سبق دعوی، دارای مشروعیت بوده و می‌تواند آثاری مشابه آثار سایر عقود مانند بیع و اجاره برجای گذارد.

از مواد مختلف قانون مدنی به‌ویژه مواد ۷۵۲ و ۷۵۸ نیز به وضوح فهمیده می‌شود که صلح نه تنها می‌تواند در مقام رفع نزاع و دعوی باشد، بلکه می‌تواند در مقام ایجاد آثار سایر معاملات منعقد گردد.

به حاکمیت قانون ایران می‌گردد. با توجه به اینکه کشور ایران دارای منابع زیرزمینی مشترک گسترده با سایر کشورها می‌باشد، بهره‌برداری اصولی از چنین منابعی ایجاب می‌کند که زیرساخت‌های حقوقی مناسب در این خصوص فراهم گردد. در این راستا، پیش‌بینی قراردادهای مناسب از قبیل قرارداد یکپارچه‌سازی و تدوین مقررات جامع برای این دسته از قراردادهای وابسته‌های نظام قانون‌گذاری است. بدیهی است علاوه‌بر فراهم‌سازی بسترهای قانونی، اقدامات عملی برای انعقاد قراردادهایی با کشورهای همسایه که منافع طرفین را به‌نحو مطلوب تأمین نماید (از جمله قرارداد یکپارچه‌سازی)، ضروری است و این مهم، بدون مداخله فعال دستگاه دیپلماسی میسر نمی‌شود.

مشترک گردیده و از سوی دیگر، به‌دلیل استفاده استاندارد از منابع موجب ارتقای عمر منبع می‌گردد. به علاوه، این شیوه حقوق محیط‌زیست را نیز تأمین می‌نماید. در نظام حقوقی ایران، انعقاد چنین قراردادهایی با مانع مواجه نیست. در واقع، اهداف موردنظر از این قبیل قراردادها می‌تواند از راه عقد صلح یا قراردادهای خصوصی مشمول ماده-۱۰ قانون مدنی، برآورده گردد. البته طبیعی است در صورت انعقاد چنین قراردادهایی، حاکمیت قانون ایران منوط به اعمال قواعد حل تعارض است. به‌عنوان نمونه، در قراردادهایی که دولت جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها در این خصوص منعقد می‌کند، می‌توان قانون ایران را به‌عنوان قانون صالح انتخاب نمود. همچنین است در شرایط اعمال ماده ۹۶۸ قانون مدنی که منجر

پانویس‌ها

1. the rule of capture

2. American Bar Association

۳. قواعدی که دولتهای ایالتی به منظور توسعه حقوق حفاظت از نفت و گاز به کار می‌گیرند. این مجموعه قواعد موجب طرح موضوعاتی مثل رعایت حریم یا فاصله برای حفر چاه و میزان بهره‌برداری در روز، هفته، ماه و سال، دوره استراحت چاه و ... گردید. هدف اولیه

از وضع این مقررات جلوگیری از هدر دادن مادی و اقتصادی منابع نفت و گاز می‌باشد. و به دنبال بهره‌برداری معقول و حمایت از حقوق مالکان است (کاشانی، ۱۳۸۹، ص ۸۱)

4. conservation regulation

5. Association of International Petroleum Negotiators

۶. به‌عنوان نمونه روایت نبوی صلی الله علیه و آله که فرموده‌اند: "الصلح جائز بین المسلمین إلا صلحاً أحل حراماً أو حرم حلالاً" و فرمایش امام صادق علیه السلام مبنی بر این که: "الصلح جائز بین الناس" (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۴۴۳).

منابع

[13] Avambu, Anozie, (2009), Unitization of contract areas, published by: university of Dundee.
 [14] C. Maxwell, Richard. H. Martin, Patrik. M. Karmer, Bruce, (2007), Cases and Materials the law of Oil and Gas, New York: Thomson west
 [15] Gordon, Greg & Paterson, John, (2007), Oil and Gas Law, Dundee: Dundee university press.
 [16] L. Rae, Connet, (2010), pooling, March. [online]. <http://www.laapl.com> [3April.2012]
 [17] Markes, Mike, (2010), Unitization and pooling, published by: Obsidian Energy Company, 29 July, [online]. http://www.oil and gas evaluation report. com. [27May.2012]
 [18] O. Flanery, Sharon; J. Morgan, Ryan, (2010), Overview of Pooling and Unitization <http://www.steptoe-johnson.com>. [3April.2012]
 [19] Perrine, Richard, (1978), Enhanced Oil Recovery Potential in the United States office of technology assessment
 [20] S. Lowe, John, (2003), Oil and Gas Law in a nutshell New York: Thomson west
 [21] S. Lowe, John; L. Anderson, Owen; E. Smith, Ernest; E. Pierce, David (2008), cases and materials on oil and Gas law, New York: Thomson wests

[۱] ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، (۱۴۰۸ق)، الوسيله، ج ۱، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
 [۲] امامی، سید حسن، (۱۳۷۶)، حقوق مدنی، ج ۲، ج ۱۳، تهران: کتابفروشی اسلامی.
 [۳] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۰)، حقوق مدنی، رهن و صلح، ج ۲، تهران: گنج دانش.
 [۴] شهید اول، شمس الدین محمد بن مکی، (۱۴۰۶)، اللمعه الدمشقیه، بیروت: دارالناصر.
 [۵] شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۴، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
 [۶] صائمی، علی اصغر، (۱۳۸۲)، شروط ابتدایی در فقه و بررسی ماده ۱۰ قانون مدنی، مجله الهیات و حقوق، شماره ۹ و ۱۰، صص ۷۷ تا ۱۰۴
 [۷] طباطبایی حکیم، سید محسن، (۱۴۰۴ق)، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۳، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی
 [۸] علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ج ۲، ج ۱، قم - ایران: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 [۹] کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶)، قواعد عمومی قراردادها. ج ۱، ج ۸، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 [۱۰] کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، درسهایی از عقود معین، ج ۱، تهران: کتابخانه گنج دانش.
 [۱۱] کاشانی، جواد، (۱۳۸۹)، منابع مشترک از منظر حقوق بین الملل، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
 [12] A. Garner, Bryan, (2011), Black's law dictionary, Tehran: Khorsandi